

نقش مالکان نهادی در کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

نظام‌الدین رحیمیان*
نرگس رضایپور**
حسین اخضری***

چکیده

این مطالعه شواهدی را در مورد نقش مالکان نهادی در کیفیت حسابرسی ارائه می‌نماید. با در نظر گرفتن این مطلب که سرمایه‌گذاران نهادی به گزارش‌های مالی با کیفیت برای تجزیه و تحلیل‌های حرفه‌ای خود نیازمندند، این فرضیه وجود دارد که این گروه از مالکان با اعمال نفوذ بر مدیریت، آنها را به استفاده از خدمات حسابرسی با کیفیت ترغیب نمایند. در این تحقیق از سه معیار اندازه موسسه حسابرسی، تخصص حسابرسان در صنعت و نوع گزارش حسابرسی به عنوان شاخص کیفیت حسابرسی استفاده شده است. پس از اعمال محدودیت‌های نمونه‌گیری، تعداد ۶۱ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ (۲۸۹ سال-شرکت) بررسی شده‌اند. برای آزمون فرضیات تحقیق از رگرسیون مقطعی چندگانه استفاده شده است. پس از مشاهده اثر متغیرهای کنترل اندازه و رشد، یافته‌ها حاکی از آن بوده است که شرکت‌های دارای سطوح بالاتر از مالکیت نهادی، از کیفیت حسابرسی بالاتری برخوردار می‌باشند؛ این در حالی است که تمرکز مالکیت نهادی موجب کاهش در کیفیت حسابرسی می‌گردد. **واژه‌های کلیدی:** کیفیت حسابرسی، مالکیت نهادی، راهبری شرکتی، تمرکز مالکیت.

* استادیار حسابداری دانشگاه رجا قزوین، ایران

** دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

*** کارشناس ارشد حسابداری دانشکده علوم اقتصادی، تهران، ایران

۱- مقدمه

مطالعات نشان داده اند که حسابداری سازوکار مهمی در راهبری شرکتی^۱ می باشد. محققان شواهدی را فراهم نموده اند که حسابداری موجب کاهش احتمال بروز عدم تقارن اطلاعاتی^۲ بین سرمایه گذاران و مدیران می شود (جنسن و مکلینگ، ۱۹۷۶). پالمرز دریافته است که گزارش حسابداری عامل کلیدی در واکنش بازار به شمار می آید (پالمرز، ۱۹۸۸)؛ اما این واکنش به کیفیت حسابداری^۳ بستگی دارد (کویشنمورتی و دیگران، ۲۰۰۲). دی آنجلو کیفیت حسابداری را به صورت احتمال کشف و گزارش تحریف با اهمیت در ارائه منصفانه اطلاعات حسابداری تعریف نموده است (دی آنجلو، ۱۹۸۱). طبق این تعریف، استقلال و صلاحیت^۴ دو ویژگی اصلی در کیفیت حسابداری می باشد. هنگامی که هزینه های نمایندگی^۵ به دلیل عدم تمرکز مالکیت و عدم وجود نظارت موثر توسط مالکان افزایش می یابد، تقاضا برای حسابداری های با کیفیت بالاتر افزایش می یابد (ازیبی و دیگران، ۲۰۱۰). مطالعات قبلی در زمینه دلایل تقاضای حسابداری، بیانگر آن بوده اند که ساختار مالکیت بر نحوه انتخاب حسابداری موثر است. سرمایه گذاران نهادی^۶ از گروه هایی هستند که نقش مهمی را در ساختار مالکیت ایفا می کنند.

در کشور ما، به دلیل وجود سهام شرکت های در اختیار دولت و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و خصوصی سازی، شاهد حضور سازمان ها و موسساتی هستیم که در فرآیند انتقال مالکیت با عنوان سرمایه گذاران نهادی شناخته شده و در قالب مالکان و صاحبان سهام جدید، سهم بیشتری از سهام شرکت های در حال انتقال را به خود اختصاص می دهند. بخشی از این شرکت ها و سرمایه گذاران نهادی را شرکت های بیمه ای اعم از سازمان های تامین اجتماعی، صندوق های بازنشستگی، شرکت های بیمه بازرگانی و شرکت های سرمایه گذاری تشکیل می دهند.

مالکان نهادی، به دلیل قابلیت قابل ملاحظه در انجام تجزیه و تحلیل های مالی حرفه ای از سایر سرمایه گذاران تفکیک می شوند. به همین دلیل، سرمایه گذاران نهادی بیش از سایر سرمایه گذاران، به کیفیت اطلاعات اهمیت می دهند و به آن نیازمندند. اما از اواخر دهه ۹۰، فرضیه نظارت موثر^۷ نیز برای مالکان نهادی مطرح شد. سرمایه گذاران نهادی با توجه به ویژگی های ذاتی خود، دارای نفوذ خاصی می باشند و می توانند از آن برای نظارت و هم جهت ساختن عملکرد مدیریت در راستای منافع سهامداران استفاده نمایند. حضور سرمایه گذاران نهادی در ساختار مالکیت شرکت بر نحوه

نظارت عملیات بنگاه موثر است. در راستای اعمال نظارت موثر، کیفیت بالای حسابرسی از عوامل مهم به شمار می‌آید. مطالعات قبلی نشان می‌دهند که گزارش حسابرسی و کیفیت ارائه صورت‌های مالی نشانه مهمی از سلامت و عملکرد شرکت می‌باشد. به همین دلیل، سرمایه‌گذاران نهادی سعی در استفاده از خدمات حسابرسی باکیفیت دارند (ازیبی و دیگران، ۲۰۱۰).

۲- پیشینه تحقیق

مطالعه ازیبی و دیگران (۲۰۱۰) در مورد شرکت‌های فرانسوی بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷، نشان داده است که بین سرمایه‌گذاران نهادی خارجی و کیفیت حسابرسی رابطه مثبتی وجود دارد. آدیمی و فگبمی (۲۰۱۰) با بررسی اثرات عوامل راهبری شرکتی در شرکت‌های نیجریایی، نتوانستند رابطه معنی داری بین مالکیت نهادی و کیفیت حسابرسی مشاهده نمایند. تینگ و همکاران (۲۰۱۰) شواهدی را ارائه نمودند که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران نهادی خارجی فشار زیادی را بر حساب‌رسان وارد می‌آورند تا کیفیت حسابرسی بالاتری را ارائه دهند. جون لین و لیو (۲۰۰۹) دریافتند که شرکت‌های چینی دارای سهامداران بزرگ و عمده، کمتر از خدمات ۱۰ موسسه حسابرسی بزرگ بهره می‌گیرند. در همان کشور، وانگ و همکاران (۲۰۰۸) نحوه انتخاب حساب‌رسان را مورد مطالعه قرار داده‌اند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که شرکت‌های دولتی و غیردولتی به طور یکسان در انتخاب حسابرس عمل می‌کنند. مطالعه گدهامی و پیتمن (۲۰۰۶) در ۳۱ کشور، نشان داده است که تمرکز مالکیت موجب کاهش انتخاب حساب‌رسان با کیفیت می‌شود. کین و ولوری (۲۰۰۴) شواهدی را در مورد نقش مثبت سرمایه‌گذاران نهادی در کیفیت حسابرسی فراهم آورده‌اند. اشبوگ و وارفیلد (۲۰۰۳) طی مطالعه‌ای در آلمان، نشان دادند که رابطه مثبتی بین پراکندگی مالکیت و کیفیت حسابرسی وجود دارد. ولوری و دیگران (۲۰۰۳) به این نتیجه رسیدند که مالکان نهادی برای افزایش کیفیت حسابرسی از خدمات حساب‌رسان صنعت خاص استفاده می‌کنند. اوسولیوان (۲۰۰۰) با بررسی نمونه ۴۰۲ شرکتی دریافت که مالکان نهادی در انگلستان نتوانسته‌اند نقش موثری را در کیفیت حسابرسی ایفا نمایند.

ناظمی اردکانی (۱۳۸۸) دریافت که در شرکت‌های دارای حساب‌رسان صنعت خاص، مدیریت اقلام تعهدی پایین‌تر است. مطالعه ابراهیمی کردلر و سیدی (۱۳۸۷) رابطه بین حساب‌رسان مستقل

و نوع اظهار نظر حسابرس با مدیریت سود را مورد بررسی قرار داده است. در این رابطه اثر نوع موسسه حسابرسی، نوع اظهار نظر و تعداد بندهای شرط در نظر گرفته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فقط نوع موسسه حسابرسی با اقلام تعهدی اختیاری رابطه دارد. آذین فر (۱۳۸۶) رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه حسابرس را مورد مطالعه قرار داد. در این تحقیق، سازمان حسابرسی به علت کارکنان بیشتر به عنوان موسسه حسابرسی بزرگ و موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی به عنوان حسابرس کوچک انتخاب شده اند. محقق به این نتیجه دست یافته است که موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی نسبت به سازمان حسابرسی از کیفیت حسابرسی بالاتری برخوردارند. جعفری (۱۳۸۴) با استفاده از معیار کیفیت حسابرسی ارائه بند شرط در گزارش حسابرسی و مقایسه آن با تعدیلات سنواتی سال آینده، به بررسی عوامل موثر بر استقلال و شایستگی حسابداران رسمی پرداخته است. مداحی (۱۳۸۴) در زمینه اثربخشی حسابرسی‌های انجام شده در ایران دریافت که بین تحریفات کشف شده و تحریفات موجود در صورت‌های مالی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. لنگری (۱۳۷۹) در بررسی رعایت عوامل کنترل کیفیت حسابرسی دریافت که عوامل کنترل کیفیت در حسابرسی‌های سازمان حسابرسی رعایت نمی‌شود. آقایی و کوچکی (۱۳۷۴) معتقدند، کیفیت کار موسسات حسابرسی متفاوت است و بطور مستقیم نمی‌توان با مشاهده آنها تشخیص داد که کدام موسسه از کیفیت کاری بالاتری برخوردار است؛ بلکه اندازه، قدمت، شهرت و نام تجاری موسسه‌های حسابرسی می‌توانند معیارهای متمایز کننده کیفیت حسابرسی باشند.

۳- فرضیه‌های تحقیق

با توجه به مبانی نظری و تحقیقات مطرح شده، فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر بیان می‌شود:

- ۱- بین میزان مالکیت نهادی و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- بین تمرکز مالکیت نهادی و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

۴- روش شناسی تحقیق

۴-۱) مسئله تحقیق

مسئله اصلی این تحقیق آن است که :

آیا مالکان نهادی در کیفیت حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش موثری ایفا می‌کنند یا خیر؛ و اگر اینگونه است، این تاثیر چگونه قابل تفسیر است؟

۲-۴) جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهند. برای تعیین نمونه مورد مطالعه، شرکت‌هایی از جامعه آماری یادشده انتخاب شده اند که:

۱- پایان سال مالی آن‌ها ۲۹ اسفندماه باشد.

۲- شرکت بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ تغییر سال مالی نداشته باشد.

۳- شرکت واسطه مالی نباشد.

۴- اطلاعات مورد نیاز شرکت در دسترس باشد.

با در نظر گرفتن شرایط فوق، ۶۱ شرکت طی سال‌های ۸۴ تا ۸۸ (۲۸۹ سال-شرکت)، به عنوان نمونه تحقیق مورد بررسی قرار گرفته اند.

۳-۴) جمع آوری و پردازش داده‌ها

از آنجا که روش انجام تحقیق به صورت میدانی بوده و با داده‌های واقعی شرکت‌ها سروکار دارد، فراهم کردن اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که با توجه به متغیرهای تحقیق، مربوط به گزارش‌های سالانه شرکت‌ها می‌شود، از منابع مختلفی از جمله لوح‌های فشرده سازمان بورس اوراق بهادار تهران، سایت اطلاع رسانی شرکت بورس و سازمان بورس استفاده شده است. برای پردازش اطلاعات از نرم‌افزارهای Excel و SPSS استفاده شده است.

۴-۴) روش‌های تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌های تحقیق

برای بررسی نقش مالکان نهادی در کیفیت حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، از آزمون رگرسیون خطی بین میزان و تمرکز مالکیت نهادی و کیفیت حسابداری در طول دوره نمونه استفاده گردیده است.

۵-۴) تعریف عملیاتی مفاهیم و متغیرهای پژوهش

۱-۵-۴) متغیر وابسته: شاخص‌های کیفیت حسابداری

دی انجلو کیفیت حسابرسی را به صورت احتمال کشف و گزارش انحراف بااهمیت در صورت‌های مالی تعریف می‌کند. این تعریف دو عامل را در کیفیت حسابرسی دخیل می‌داند. کیفیت حسابرسی تابعی از توانایی کشف انحرافات با اهمیت است که به صورت صلاحیت و توانایی حسابرس مطرح می‌گردد و تمایل حسابرس به گزارش این انحرافات که به استقلال حسابرس مرتبط می‌باشد (دی انجلو، ۱۹۸۱). از آنجاکه کیفیت حسابرسی قبل یا در حین انجام حسابرسی غیرقابل مشاهده است، شاخص‌های مختلفی برای نشان دادن کیفیت حسابرسی در تحقیقات معرفی شده‌اند. اندازه و شهرت حسابرسی از اولین شاخص‌هایی است که در این زمینه مطرح شده است. موسسات بزرگ حسابرسی دارای منابع مالی و انسانی بیشتری هستند که بر صلاحیت حسابرس موثر است. از طرف دیگر، به دلیل حجم بالای کار و شهرت خود، از استقلال بیشتری نسبت به سایر موسسه‌ها برخوردارند. نتایج مطالعات اخیر انجام شده، حاکی از آن است که ۳ یا ۵ موسسه حسابرسی بزرگ، کیفیت حسابرسی بهتری نسبت به سایر موسسه‌های حسابرسی ارائه می‌دهند. بکر و دیگران نشان داده است که شرکت‌های حسابرسی شده توسط موسسات بزرگ حسابرسی، از کیفیت حسابرسی بهتری برخوردار بوده‌اند (بکر و دیگران، ۱۹۹۸). از شاخص‌های پرکاربرد دیگر برای کیفیت حسابرسی، می‌توان به تخصص صنعت حسابرس اشاره نمود. حسابرس صنعت خاص از دانش تخصصی بالاتری در مورد آن صنعت خاص برخوردار است و این امر بر صلاحیت و کیفیت کار حسابرسی موثر است. محققانی چون پالمرز (۱۹۸۱) و کریشان (۲۰۰۳) از این معیار استفاده کرده‌اند. محققانی چون هرمانسون و دیگران (۲۰۰۷) و دیلویت (۲۰۱۰) از انتشار گزارش غیرمقبول به عنوان شاخصی برای کیفیت حسابرسی یا استقلال حسابرس استفاده کرده‌اند. با توجه به معیارهای کیفیت حسابرسی مورد استفاده در تحقیقات، این پژوهش برای محاسبه معیار کیفیت حسابرسی از معیارهای اندازه، تخصص در صنعت و نوع گزارش حسابرسی با وزن دهی یکسان بهره برده است:

۱- اندازه حسابرس: این معیار بر اساس مطالعه آدیمی و فگیمی (۲۰۱۰)، ازیبی و دیگران (۲۰۱۰) و گال و همکاران (۲۰۱۰)، شامل سه موسسه بزرگ حسابرسی می‌باشند. سه موسسه بزرگ، طبق مجموع ارزش شرکت‌های مورد حسابرسی قرار گرفته توسط حسابرس تعیین شده است. بر این اساس از متغیر مجازی استفاده شده است. به شرکت‌های حسابرسی شده توسط این

سه موسسه حسابرسی، عدد یک و به سایر شرکت‌ها عدد صفر اختصاص داده شده است.

۲- تخصص در صنعت: در مورد تخصص در صنعت دو رویکرد سهم بازار و پورتفوی موسسه حسابرسی موجود است. رویکرد سهم بازار متخصص هر صنعت را با توجه به سهم موسسات در هر صنعت محاسبه می‌کند. اما این رویکرد در مورد بازارهایی نظیر کشور ما نامناسب می‌باشد؛ زیرا تفاوت در اندازه به شکل چشمگیری وجود دارد. بنابراین در این پژوهش از رویکرد پورتفوی استفاده شده است. به این معنا که تخصص هر موسسه بر اساس صنعت شرکت‌های تحت بررسی موسسه، محاسبه شده است. موسسه‌هایی به عنوان متخصص تعیین شده‌اند که بیش از نیمی از حجم کاری آنها در صنعت خاصی صورت پذیرفته باشد. بنابراین به شرکت‌های دارای حسابرس صنعت خاص عدد یک و به سایر شرکت‌ها عدد صفر اختصاص داده شده است.

۳- نوع گزارش حسابرسی: شرکت‌هایی که دارای گزارش تعدیل شده بوده‌اند دارای عدد یک و سایر شرکت‌ها دارای عدد صفر بوده‌اند.

۲-۵-۴) متغیرهای مستقل: شاخص‌های مالکیت نهادی

۱- میزان مالکیت نهادی

مطابق تعریف ارائه شده و مورد استفاده در تحقیق ازیبی و دیگران (۲۰۱۰) برای محاسبه میزان مالکیت نهادی، مجموع سهام در اختیار بانک‌ها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق بازنشستگی، شرکت تامین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و شرکت‌های دولتی بر کل سهام منتشره شرکت، تقسیم گردیده و درصد یا میزان مالکیت نهادی به دست آمده است.

۲- تمرکز مالکیت نهادی

برای محاسبه تمرکز مالکیت نهادی از شاخص هرfindal - هریشمن استفاده شده است. شاخص هرfindal - هریشمن شاخصی اقتصادی است که برای سنجش میزان انحصار در بازار استفاده می‌گردد. بدین ترتیب درصد سهام هر یک از مالکان نهادی به توان دو رسیده و با هم جمع می‌شوند:

$$OC = \sum^2 \text{ (درصد مالکیت هر نهاد)}$$

حاصل بین ۰ تا ۱ بوده و هر چقدر به ۱ نزدیک‌تر باشد تمرکز بیشتر است. بنابراین به شرکت‌های

دارای مالکیت متمرکز عدد یک و به سایر شرکت‌ها عدد صفر اختصاص داده شده است.

۳-۵-۴) متغیرهای کنترل:

۱- اندازه: برای محاسبه اندازه شرکت حسابداری شده، از لگاریتم طبیعی ارزش شرکت در پایان دوره استفاده شده است.

۲- ارزش دفتری به ارزش بازار: این معیار به عنوان شاخص رشد شرکت مورد کنترل قرار می‌گیرد و از تقسیم ارزش دفتری به ارزش بازار شرکت در انتهای دوره بدست آمده است.

۴-۶) مدل‌های رگرسیون مقطعی برای آزمون فرضیه‌ها

در این تحقیق، برای آزمون وجود رابطه بین متغیرها، مدل‌های رگرسیون چند متغیره بر اساس مدل‌های مورد استفاده ازیبی و دیگران (۲۰۱۰)، کین و ولوری (۲۰۰۴) و اشبوگ و وارفیلد (۲۰۰۳)، برآزش خواهد شد:

۱- مدل رگرسیون برای آزمون فرضیه اول:

$$AQ_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OL_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 BM_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

۲- مدل رگرسیون برای آزمون فرضیه دوم:

$$AQ_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OC_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 BM_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$AQ_{i,t}$: شاخص کیفیت حسابداری i در سال t ؛

$OL_{i,t}$: میزان مالکیت نهادی شرکت i در سال t ؛

$OC_{i,t}$: تمرکز مالکیت نهادی شرکت i در سال t ؛

$SIZE$: لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام شرکت i در سال t (شاخص اندازه)؛

BM : ارزش دفتری به ارزش بازار شرکت i در سال t (شاخص رشد)؛

$\varepsilon_{i,t}$: جمله خطا برای شرکت i در سال t .

۵- نتایج یافته‌ها

۵-۱) نتایج آزمون فرضیه اول:

نگاره شماره ۱ نتایج آزمون فرضیه اول را برای متغیرهای مستقل و کنترل نشان می‌دهد. با توجه به R^2 تعدیل شده مدل (۱۶/۴ درصد) و آماره t (۲/۵۷۰) بدست آمده برای میزان مالکیت

نهادی، می‌توان نتیجه گرفت که رابطه مثبت و معنی‌دار بین میزان مالکیت نهادی و کیفیت حسابداری وجود دارد. بنابراین فرضیه اول با اطمینان ۹۹ درصد پذیرفته می‌شود.

نگاره شماره ۱: نتایج آزمون فرضیه اول

| مدل رگرسیونی: $AQ_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OL_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 BM_{i,t} + \varepsilon_{it}$ | | | | |
|--|---------|---------|-------------------------------|-----------|
| معنی داری | آماره t | ضرایب | متغیر | |
| ۰/۰۰ | -۳/۶۹۰ | -۱/۴۶۶* | مقدار ثابت | β_0 |
| ۰/۰۱ | ۲/۵۷۰ | ۰/۱۴۷* | میزان مالکیت نهادی | OL |
| ۰/۰۰ | ۶/۷۸۶ | ۰/۴۲۰* | اندازه | SIZE |
| ۰/۰۰ | ۵/۹۶۵ | ۰/۳۵۰* | نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار | BM |
| آماره F: ۱۹/۸۸۹ معنی داری: ۰/۰۰ R^2 : ۱۷/۳٪ R^2 تعدیل شده: ۱۶/۴٪ آماره دوربین-واتسون: ۱/۷۹۱؛ $p < ۰.۰۱$ ؛ $p < ۰.۰۵$ ؛ $p < ۰.۰۰۱$ | | | | |

نگاره ۱ نمایانگر آن است که با بدست آمدن آماره F برابر با ۱۹/۸۸۹ در سطح خطای ۱ درصد، معادله خط رگرسیون به خوبی برازش شده است. آزمون دوربین-واتسون نیز با مقداری بین ۱/۵ و ۲/۵، صحت استقلال خطاها بین متغیرها را تایید می‌کند. دو متغیر کنترل اندازه و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار، دارای روابط معنی‌دار مثبت با شاخص کیفیت حسابداری می‌باشند. به این معنا است که با بزرگ‌تر شدن شرکت و نسبت ارزش دفتری به بازار آن، کیفیت حسابداری بالاتر می‌رود. طبق نتایج تجزیه و تحلیل‌های آماری موجود در نگاره شماره ۱، مدل برآوردی رگرسیون به صورت زیر است:

$$AQ = -1/466 + 0/147 OL + 0/420 SIZE + 350 BM + \varepsilon$$

۲-۵) نتایج آزمون فرضیه دوم:

نگاره شماره ۲: نتایج آزمون فرضیه دوم

| مدل رگرسیونی: $AQ_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OC_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 BM_{i,t} + \varepsilon_{it}$ | | | | |
|--|-----------------|---------------|------------------------|--|
| متغیر | ضرایب | آماره t | معنی داری | |
| β_0 مقدار ثابت | -۱/۳۲۱* | -۳/۴۰۲ | ۰/۰۰ | |
| OL میزان مالکیت نهادی | -۰/۱۴۶* | -۲/۶۶۶ | ۰/۰۰ | |
| SIZE اندازه | ۰/۳۹۲* | ۶/۶۲۳ | ۰/۰۰ | |
| BM نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار | ۰/۳۳۹* | ۵/۷۸۰ | ۰/۰۰ | |
| آماره F: ۲۰/۰۸۷ | معنی داری: ۰/۰۰ | R^2 : ۱۷/۵٪ | R^2 تعدیل شده: ۱۶/۶٪ | آماره دوربین-واتسون: ۱،۹۵۷؛ $p < ۰.۰۱$ ؛ $p < ۰.۰۵$ ؛ $p < ۰.۱۰$ |

با نظر به نگاره شماره ۲ در می‌یابیم که تمام متغیرهای مستقل دارای ضرایب معنی‌داری بوده و توانسته‌اند که ۱۷/۵ درصد تغییرات در متغیر وابسته را توضیح دهند. با توجه به سطح معنی‌داری متغیر تمرکز مالکیت نهادی، فرضیه دوم مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار بین تمرکز مالکیت نهادی و کیفیت حسابداری با اطمینان ۹۹ درصد پذیرفته می‌گردند.

علامت منفی ضریب متغیر تمرکز مالکیت نهادی نشان می‌دهد که با افزایش تمرکز مالکیت نهادی در شرکت، کیفیت حسابداری کاهش می‌یابد. بنابراین رابطه منفی و معنی‌داری بین تمرکز مالکیت نهادی و کیفیت حسابداری وجود دارد. آزمون فیشر با آماره ۲۰/۰۸۷، در سطح خطای ۱ درصد صحت برازش مدل را تایید می‌کند. آماره دوربین-واتسون با مقداری نزدیک به ۲، نشان دهنده استقلال خطاها و صحت مدل از این نظر می‌باشد.

مدل برازش شده برای رابطه تمرکز مالکیت نهادی و کیفیت حسابداری به شکل زیر قابل بیان

است:

$$AQ = -1/321 - 0/146 OC + 0/392 SIZE + 0/339 BM + \varepsilon$$

۶- نتیجه گیری

در تحقیق حاضر، نقش سرمایه‌گذاران نهادی در کیفیت حسابرسی شرکت‌ها مورد آزمون قرار گرفت. به طور کلی، یافته‌های تحقیق شواهدی را در مورد تاثیر مثبت مالکیت نهادی بر کیفیت حسابرسی شرکت‌ها فراهم می‌آورد. مطابق مبانی نظری مطرح شده، این امر نشان دهنده آن است که سرمایه‌گذاران نهادی به دلیل توانایی خاص در تجزیه و تحلیل‌های مالی، به اطلاعات با کیفیت نیاز بیشتری دارند و به دلیل نفوذ خاصی که در شرکت دارند، مدیران را در استفاده از خدمات حسابرسی با کیفیت تحت فشار قرار می‌دهند. از طرف دیگر، تمرکز مالکیت نهادی موجب از بین رفتن انگیزه مالکان در استفاده از حسابرسی با کیفیت می‌شود. تمرکز مالکیت موجب می‌گردد که نهادها از اکثر اطلاعات درونی شرکت مطلع بوده و تمایلی به انتقال تمام اطلاعات مالی به صورت با کیفیت و شفاف به بازار را نداشته باشند. بنابراین، بالا بودن میزان مالکیت نهادی به صورت عدم متمرکز، در افزایش کیفیت حسابرسی نقش موثری را ایفا می‌نماید. نتایج این پژوهش در مطابقت با یافته‌های تحقیقات مشابه انجام شده در خارج از کشور، نظیر مطالعات ازیبی و دیگران (۲۰۱۰)، تینگ و همکاران (۲۰۱۰)، جون لین و لیو (۲۰۰۹)، گدهامی و پیتمن (۲۰۰۶)، کین و ولوری (۲۰۰۴) و اشبوگ و وارفیلد (۲۰۰۳) می‌باشد.



از یافته‌های تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به اجرای اصل ۴۴ در رابطه با خصوصی سازی، طریق ارجح آن است که ضمن واگذاری سهام شرکت‌ها به سرمایه‌گذاران نهادی، از تمرکز مالکیت آنها در شرکت‌ها جلوگیری به عمل آید تا با ایجاد تنوع بین مالکان، امکان رقابت بین آنها ایجاد گردد و کیفیت حسابرسی بهبود یابد. از این طریق، اولاً اعمال نظارت بر عملکرد مدیریت انجام می‌گردد و ثانیاً ضمن انتقال اطلاعات با کیفیت به بازار، کارایی اطلاعاتی بازار بهبود می‌یابد.

۷- پیشنهادها برای تحقیقات آتی

- ۱- مطالعه تاثیر سایر ساختارهای مالکیت نظیر مالکیت مدیریتی بر کیفیت حسابرسی.
- ۲- استفاده از سایر مدل‌ها و متغیرها در تعریف کیفیت حسابرسی.

۳- بررسی رابطه کیفیت حسابداری واقعی با ساختار مالکیت و عوامل راهبردی شرکتی.

۴- بررسی اثرات سایر متغیرها بر کیفیت حسابداری.

پی نوشت ها:

- 1- Corporate governance
- 2- Information asymmetry
- 3- Audit quality
- 4- Independence and competence
- 5- Agency costs
- 6- Institutional investors
- 7- Effective monitoring

منابع و مآخذ

- ۱- آذین فر، کاوه. (۱۳۸۶). «رابطه بین کیفیت حسابداری و اندازه حسابداری»، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲- آقائی، محمد علی و حسن کوچکی. (۱۳۷۴). «گمان‌هایی پیرامون نمایش سود»، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابداری، شماره ۱۴ و ۱۵، صص ۶۴-۵۶.
- ۳- ابراهیمی کردلر، علی و سیدعزیز سیدی. (۱۳۸۷). «نقش حسابرسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری»، بررسی‌های حسابداری و حسابداری، دوره ۱۵، شماره ۵۴، زمستان ۱۳۸۷، صص ۱۶-۳.
- ۴- جعفری، علی. (۱۳۸۵). «عوامل موثر بر استقلال و شایستگی اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران در ارائه خدمات گواهی»، پایان نامه دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۵- حساس یگانه، یحیی، محمد مرادی و هدی اسکندر. (۱۳۸۷). «بررسی رابطه بین سرمایه گذاران نهادی و ارزش شرکت»، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابداری، شماره ۵۲، تابستان ۱۳۸۷، صص ۱۲۲-۱۰۷.
- ۶- رحمان سرشت، حسین و نادر مظلومی. (۱۳۸۴). «رابطه عملکرد مدیریتی سرمایه گذاران نهادی با سهم مالکیت این نهادها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۴۷، پاییز ۱۳۸۴، صص ۱۱۰-۸۵.
- ۷- لنگری، محمود. (۱۳۷۹). «بررسی و اندازه‌گیری میزان رعایت عوامل کنترل کیفیت در حسابداری‌های مستقل در ایران»، پایان نامه دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۸- مداحی، آزاده. (۱۳۸۴). «اثر بخشی فرآیندهای حسابداری در کشف اشتباهات و تحریفات با اهمیت در صورت‌های مالی»، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۹- مرادزاده فرد، مهدی، مهدی، مژده ناظمی اردکانی، رضا غلامی، حجت اله فرزانی. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه بین مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابداری، شماره ۵۵، بهار ۱۳۸۸، صص ۹۸-۸۵.
- ۱۰- مرادی، محمد. (۱۳۸۶). «بررسی رابطه بین سرمایه‌گذاران نهادی و کیفیت سود»، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- ۱۱- ناظمی اردکانی، مهدی. (۱۳۸۸). «بررسی نقش تخصص صنعت بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی تهران.

- ۱۲- نمازی، محمد و احسان کرمانی. (۱۳۸۷). "تاثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۳، پاییز ۱۳۸۷، صص ۱۰۰-۸۳.
- 13- Adeyemi, S. and Fagbemi, T., (2010). "Audit Quality, Corporate Governance and Firm Characteristics in Nigeria", *International Journal of Business and Management*, Vol. 5, No. 5: 169-179.
- 14- Ashbaugh. H, and D. T. Warfield. (2003). "Audits as a Corporate Governance Mechanism: Evidence from the German Market", *Journal of International Accounting Research* 2: 1-21.
- 15- Azibi, J., Tondeur, H. and Rajhi, M., (2010). "Auditor choice and institutional investor characteristics after the Enron scandal in the French context", *Crises et nouvelles problématiques de la Valeur*, Nice: France.
- 16- Becker, C., Defond, M., Jiambalvo, J., and Subramanyam K.R., (1998). "The effect of audit quality on earnings management", *Journal of Contemporary accounting research* 15: 1-24.
- 17- DeAngelo, L. (1981). "Auditor Size and Audit Quality", *Journal of Accounting and Economics*: 1983-99.
- 18- Deloitte LLP. (2010). "Advancing Quality Through Transparency", *Deloitte LLP Inaugural Report* January.
- 19- Guedhami O. and Pittman J., (2006). "Ownership concentration in privatized firms: The Role of disclosure standards, auditor choice, and auditing infrastructure", *Journal of Accounting Research* 44 (5).
- 20- Gul A. F., Kim, J. and Qui A. A., (2010). "Ownership Concentration, Foreign Shareholding, Audit Quality, and Stock Price Synchronicity: Evidence from China", *Journal of Financial Economics*, Volume 95 (3): 425-442.
- 21- Hermanson, D. R., Houston R. W., and Rice J. C., (2007). "PCAOB inspections of smaller CPA firms: Initial evidence from inspection reports", *Journal of Accounting Horizons* 21 (2): 137-152.
- 22- Jensen, M.C., and Meckling W.H., (1976). "Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure", *Journal of Financial Economics* (October): 305-360.
- 23- Jun Lin. Z and Ming Liu. (2009), "The impact of corporate governance on auditor choice: Evidence from China", *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation* 18: 44-59.
- 24- Kane, G. D. and Velury, U. (2004). "The role of institutional ownership in the market for auditing services: An empirical investigation", *Journal of Business Research*, 57: 976-83.
- 25- Krishnamurthy, S., Zhou J., and Zhou N.. (2002). "Auditor reputation, auditor independence and the stock market reaction to Andersen's clients", SSRN Working paper.
- 26- Krishnan, G. (2003). "Does big 6 auditor industry expertise constrain earnings management?", *Journal of Accounting Horizons* (Supplement): 1-16.
- 27- O'Sullivan, N., (2000). "The impact of board composition and ownership on audit



- quality: evidence from large UK companies”, The British Accounting Review Volume 32, (4): 397-414.
- 28- Palmrose Z., (1988). “An analysis of auditor litigation and audit service quality”, The Accounting Review (January):55-73.
- 29- Palmrose, Z., (1986). “Audit fees and auditor size: further evidence”, Journal of Accounting Research 24 (1): 97-110.
- 30- Ting, W., Yen, S. and Chiu, C., (2010). “The Influence of Qualified Foreign Institutional Investors on the Association between Default Risk and Audit Opinions: Evidence from the Chinese Stock Market”, Corporate Governance: An International Review, Volume 16 (5): 400 – 415.
- 31- Velury, U., Reisch, T. J. and O’Reilly M. D., (2003). “Institutional Ownership and the Selection of Industry Specialist Auditors”, Review of Quantitative Finance and Accounting Vol. 21 (1): 35- 48.
- 32- Wang Q., Wong.T.J and Lijun X., (2008). “State ownership, the institutional environment, and auditor choice: Evidence from China”, Journal of Accounting and Economics: 1-23.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی